

پژوهشی در محتوای اجتماعی ادبیات سده نهم، بررسی موردی؛ خبر رسانان در عصر تیموریان

راضیه ایمانی، فاطمه حیدری*، احمد ذاکری، مهدی محقق
گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

سال نوزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۲، صص ۱۵-۱
<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.7911>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: از دیرباز با پیدایش حکومتها در جوامع انسانی نهادهایی برای اداره امور شکل گرفتند، یکی از این نهادها دیوان برید بود. این نهاد در دوره باستان به وجود آمد و تا دوره اسلامی برقرار بود، اما در عصر ایلخانان نظام برید در ایران برچیده شد و حاکمان برای ارتباط با همسایگان و حکومت‌های محلی از چاپارخانه‌ها استفاده کردند. استفاده از چاپارخانه‌ها در عصر تیموریان نیز ادامه یافت و نسبت به عصر ایلخانان نظام‌مندتر شد. پژوهش حاضر ضمن توصیف نهادهای خبررسانی به معرفی عاملین و شاغلین خبررسانان در عهد تیموریان میپردازد.

روش مطالعه: پژوهش پیش‌رو، به دو شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

یافته‌ها: چاپارخانه در حقیقت ایستگاهی بود که ایلچیان و قاصدان در آن استراحت و اسبان خسته را با اسبان تازه نفس تعویض میکردند. در زمان حکومت تیموریان بر ایران ایلچیان وظیفه خبررسانی، رساندن تحف و هدایای پادشاهان و گاه میانجیگری و برقراری صلح را برعهده داشتند و برای به انجام رساندن این امور از خصوصیات مانند: زیرکی، قدرت بیان و مصونیت سیاسی برخوردار بودند و مورد احترام پادشاهان قرار میگرفتند. در عصر مذکور برای امر خبررسانی از قاصد، منهی و کبوتر نامه‌رسان نیز بهره میجستند.

نتیجه گیری: با تحقیق و مطالعه در متون تاریخی عهد ایلخانان و تیموریان میتوان به جزئیاتی در رابطه با نظام خبررسانی و انواع خبررسانان در عهد تیموری دست یافت. در عهد ایلخانان نظام چاپاری شکل گرفت، خانان مغول نتوانستند این نهاد را به خوبی اداره کنند اما تیمور توانست تا حدودی نظام خبررسانی و نهاد چاپاری را سامان بخشد.

تاریخ دریافت: ۱۲ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۱۴ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۲۷ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

نامه، خبر، چاپارخانه، ایلچی، قاصد.

* نویسنده مسئول:

fateme.heydari@kiauo.ac.ir

(۲۱ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study on the social content of 9th century literature, a case study: Newsmen in the Timurid era

R. Emani, F. Heydari*, A. Zakeri, M. Mohaghegh

Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Karaj, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 01 February 2026

Reviewed: 05 March 2026

Revised: 18 March 2026

Accepted: 03 May 2026

KEYWORDS

Letter, News, Chaparkhaneh (post office), Envoy, Messenger

*Corresponding Author

✉ fateme.heydari@kiaou.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: There have always been some institutions for managing the affairs in human societies, constituted by emergence of the governments. One example of such institutions is Al-Barid Tribunal which constituted as a result of necessity for getting news. Al-Barid Tribunal was formed in ancient times, and it had been working until Islamic era. However, it was terminated in Iran during Ilkhanate era, when the neighbor nations and local states had to employ Chaparkhaneh (post offices). The post offices also used in Teimourian Dynasty, and they become more systematic than Ilkhanate era. This study examines institutional frameworks associated with the distribution communications in the Timurid period focusing specifically on the personnel within these networks.

METHODOLOGY: The present research was conducted in two documentary and library methods.

FINDINGS: The post office (Chaparkhaneh) is indeed a station where the envoys and messengers rested there and replaced their tired horses with remounts. During Teimourian Dynasty in Iran, the envoys were assigned to give news, hand over the gifts and presents to the kings, and sometimes, to mediate for reconciliation and compromise. To fulfill their assigned tasks, they must enjoy such traits as shrewdness, oratorical skill, and political immunity and they were respected by the kings. During the mentioned era, the messengers, spies, and homing pigeons were also employed for giving news.

CONCLUSION: A thorough reading of the sources reveals a considerable amount of information related to the arrangement of the intelligence system and the numerous types of couriers who were active during the Timurid period. Even if the groundwork of the Chapar (postal relay) system was first laid in the Ilkhanids period, the Mongol Khans were still incompetent in managing the institution. However, Timur was able to reorganize and integrate both the systems of cirulation of news and the Chapar networks to a greater extent

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.7911>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 0	 0

مقدمه

از دیرباز در جوامع، مصلحت انسانها در گرو ارتباط با دیگر اعضای جامعه و آگاهی آنها از شرایط پیرامون بوده است. با پیدایش حکومتها، نهادها و دیوانهایی برای اداره آنها تاسیس شدند؛ یکی از نهادهایی که بر اساس ضرورت کسب خبر شکل گرفت، سازمان خبررسانی بود که در نظام اداری و امنیتی حکومتها جایگاه ویژه‌ای داشت و مانند دیگر نهادها صاحب منصبان و کارگزارانی آن را اداره می‌کردند. در عهد تیموریان با توجه به جنگها و فتوحات متعددی که صورت می‌گرفت و ضرورت برقراری ارتباط با متحدان و کارگزاران و هشدار به دیگر حاکمان، این نهاد از اهمیت خاصی برخوردار بود.

تیمور در سال ۷۳۶ هجری قمری در شهر کیش در قبیله برلاس به دنیا آمد. او که مردی سفاک و خونریز بود توانست به تدریج بر آسیای مرکزی و ماوراءالنهر حاکم شود و پس از استحکام پایه‌های حکومت، سمرقند را پایتخت خود قرار دهد و به مناطق اطراف از جمله ایران حمله کند. (لاکهارت، ۱۹۶۸، ج ۶: ۶۹) عدم اعتنای او به امور اداری ممالک تحت تسلط، مانع ثبت سیاست وی در اداره امور کشور شده است و امروزه پژوهشگران اطلاعات کمی نسبت به نحوه اداره ولایات تحت حاکمیت او دارند. آنگونه که از منابع بر می‌آید، تیمور در دیوانسالاری خود با دو نظام حکومتی مواجه بود: نظام ترکی - مغولی و دیگر نظام ایرانی - اسلامی، وی با در آمیختن این دو نظام، حکومت خود را در ایران سامان داد. منشیان و دیوانسالاران ایرانی را در مشاغل دیوانی منصوب کرد، اما دیوانسالاری بر اساس سنتهای ترکی - مغولی را بر آنها تحمیل کرد و اعضای طبقه نخبه جغتایی را سرآمد آنان کرد. (منز، ۱۹۸۴، ص ۱۵۲) در امر رسالت نیز میتوان بیان کرد که قاصدان و رسولان هم از میان ایرانیان و هم از میان جغتاییان به کار گرفته شدند؛ گاه ویژگی انتخاب آنان تنها سرعت و چالاکی قاصد بود و گاه زیرکی و قدرت بیان آنان در نظر گرفته می‌شد؛ تیمور فردی غیر ایرانی را برای سفارت سوی توقتمیش خان فرمانروای دشت قپچاق فرستاد. «چون چند نوبت از پادشاه توقتمیش حرکات ناشایست در وجود آمد امیر صاحبقران همت عالی بر دفع شر ایشان مصروف گردانیده، نخست شمس الدین المایقی را به رسالت فرستاد. او مردی دانا و کار دیده و عاقل و هوشمند بود، سخنان شیرین و کلمات دلبنده و و گشادسخن چنانکه باید مرعی داشته ادای مقصود کرد و سخنان در دل پادشاه و امرا به غایت مؤثر آمد و میل به صلح و صفا نموده او را نوازش فرموده باز گردانید.» (ظفرنامه شامی، ذکر توجه امیر صاحبقران به جانب دشت قپچاق)

تیمور زمان تسلط خود بر ایران برای سادات و مشایخ ایرانی احترام زیادی قائل بود و نقشهای مختلفی در نظر می‌گرفت؛ چرا که الطاف او نسبت به سادات موجب تلطیف موضع مردم نسبت به او می‌گشت. هنگام حمله تیمور به تبریز مردم شهر، سیدمحمد کججی را به رسم رسالت نزد تیمور فرستادند، تیمور به گرامیداشت و احترام او به مردم شهر امان داد. (کریمی، ۱۳۹۰) جستجوی انواع مختلف سفیران و نامه رسانان در این عصر علاوه بر موضوعات تاریخی، مسائل اجتماعی و روابط سیاسی امیران عصر مذکور را پدیدار میکند و به پژوهشگر اجازه میدهد تا از چند جهت گام بردارد. همچنین میتوان تبیین کرد که با توجه به منابع اصلی پژوهش، مانند حبیب السیر، ظفرنامه شامی، ظفرنامه یزدی و... که در عصر تیموری و خاتمه ادبیات کلاسیک ایران تألیف شده اند، این مقاله از نظر ادبی درخور تأمل است.

هدف و پرسش های پژوهش:

این پژوهش برآن است که به بررسی نهاد خبرگزاری و عوامل و کارگزاران آن در عهد تیموری بپردازد و به این سوالات پاسخ دهد که:

- ۱- نهاد خبرگزاری در عهد تیموریان چگونه اداره می‌شد و چه تفاوتی با حکومت‌های پیشین داشت؟
- ۲- کارگزاران و عوامل پیام‌رسانی در عهد تیموری چه کسانی بودند و چه تفاوتی با گذشتگان خود داشتند؟

پیشینه پژوهش :

شایان ذکر است که درباره نهاد خبررسانی و دیوان برید مقالاتی نوشته شده است؛ از جمله مقاله «کارکرد امنیتی دیوان برید در حکومت‌های مرکزی ایران (از سده ۳ تا ۹ ق)» تألیف جهان بخش ثواقب و علی امیری. همچنین میتوان به مقاله ای با عنوان «جامعه‌شناسی اقتصادی و فرهنگی بر اساس یادکرد مشاغل و حرف در شعر عصر تیموری» تألیف علی کابیلی، مریم محمدزاده، رضا آقایی زاهد اشاره کرد. اما تا کنون پژوهشی در باب موضوع این مقاله صورت نگرفته است.

نهادهای خبررسانی از آغاز تا سلطنت ایلخانان

پیشینه نهاد خبررسانی در ایران به دوران باستان می‌رسد؛ بر اساس گزارش‌های تاریخی این تشکیلات همان چاپارخانه‌ها بودند که در زمان هخامنشیان به وجود آمدند و تا زمان ساسانیان نیز ادامه یافتند؛ در کتب مورخان یونانی ضبط است که دیوان برید دوران حکومت اسلامی، به تقلید از این نهاد شکل گرفت. (کریستینسن، ۱۹۴۴ص ۱۹۲) دیوان برید سازمان اداری دولتی بود که تحت ریاست صاحب‌البرید قرار داشت و اصحاب‌البرید هر ناحیه از صاحب‌البرید اطاعت می‌کردند. در دوران خلافت اسلامی از وظایف اداره برید این بود که خلیفه را از وضعیت دقیق نواحی تحت امر آگاه سازند و اخبار محرمانه خلیفه را نیز به حکام و مأمورین برسانند و یکی از نشانه‌های تیرگی روابط، قطع پیغام‌رسانی بود. (زیدان، ۱۹۰۶، ص ۱۸۵)

در روزگار سامانیان در هر یک از نواحی خراسان و ماوراءالنهر یک مأمور صاحب‌برید حضور داشت که اخبار را به نواحی می‌رساند، مأموران برید موظف بودند اخبار را بی‌کم‌کاست به مرکز گزارش کنند. وزیر امیر نصر بن احمد سامانی، ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی، کتابی در علم جغرافیا و معرفت کشورها و راه‌ها به نام مسالک الممالک تألیف کرد تا راهنمایی برای صاحبان برید باشد. (ثواقب، ۱۳۹۵)

پادشاهان غزنوی در هر شهری یک صاحب‌برید می‌گماشتند که اخبار را به وزیر یا سلطان می‌رساند؛ در لشکر نیز فردی بود که اخبار را گزارش می‌داد و چنین کسی را صاحب‌برید لشکر می‌نامیدند. در این دوره جاسوسی را نیز میتوان از وظایف دیوان برید برشمرد که از این جهت با دیوان اشراف که وظیفه بازرسی را برعهده داشت، اشتراک وظیفه داشت.

علی‌رغم گمان برخی که به چهارمقاله نظامی عروضی استناد می‌کنند و سلجوقیان را مردمی بیابان‌نشین و فاقد تشکیلات اداری می‌پندارند، سلجوقیان نیز از این نظام بهره‌مند بودند چنان‌که خواجه نظام‌الملک وزیر دانشمند پادشاهان سلجوقی نیز در تألیفات خود به برخورداری این سلسله از نظام خبررسانی اشاره میکند. (انوری، ۲۵۳۵ پادشاهی، صص ۱۸۸-۱۸۷)

چاپارخانه‌ها در عهد ایلخانان

در زمان تسلط ایلخانان بر ایران نظام برید برچیده شد، اما بر حسب ضرورت کسب‌خبر و ارتباط با همسایگان و مناطق تحت تسلط، ایلخانان از تشکیلات چاپاری بهره‌جستند و این نهاد را یامخانه و مأموران آن را ایلچی نامیدند. یام یا چاپارخانه در حقیقت ایستگاهی بود که در آن اسبان خسته را با اسبان تازه نفس عوض می‌کردند. (شریک امین، ۱۳۵۷، ص ۲۵۸) پادشاهی هلاکوخان و دیگر حکام آن دوره با آشفته‌گی و هرج و مرج یامها همراه بود و بجز

ایلچیان که وظیفه سفارت را بر عهده داشتند، دیگر مأموران دولتی و غیر دولتی نیز از امکانات یامها استفاده می کردند و خرج گزاف یامها بر دوش رعیت سنگینی می کرد. این هرج و مرج تا زمان غازان خان ادامه داشت؛ اما او برای بهبود شرایط موجود، دستور داد در راههای بزرگ، به فاصله هر سه فرسنگ یامی بسازند و در هر یک پانزده سر اسب فربه نگه دارند و در راههای کم اهمیتتر اسبان کمتری قرار می دادند؛ اگر امضای شخص غازان نبود به کسی اسب نمی دادند؛ اداره هر یامی بر عهده امیری بزرگ بود و برای مخارج اموال تعیین شده ای را در اختیار داشت؛ در هر یام دو نفر پیک آماده بودند، برای رساندن مکتوب مهر مخصوص یام را بر سر مکتوب می زدند و مبدأ و مقصد و زمان ارسال آن را درج می کردند، اگر پیکی تأخیر داشت مشمول مجازات می شد. «به حکم فرمان هر کس قصه نوشتند و غصه روزگار عرضه گردانید روز دیگر فرمان شد تا همه جماعت به درگاه حاضر آمدند، ایشان را به بارگاه آوردند و در همان شیوه مصلحت ولایت و رعیت سخن آغاز نهاد و زبده رایها و مخلص سخنها آن بود که چون اخراجات گوناگون و التماسات متلون از رعایا بسیارست و پراکندگی ایشان ازین سبب بر شیوه که صاحب یلواج در ماوراء النهر مقرر کردست و آن را قویجور خوانند تعیینی می باید کرد که یک نفس در سالی به حسب استظهار و ثروت چه دهد تا چون آن مقدر مقرر ادا کند بار دیگر به او در سال رجوع ننمایند و بدان کس حوالتی دیگر نکنند.» (جهانگشای جوینی ج ۲، ذکر احوال امیر ارغون)

چاپارخانه‌ها در عهد تیموریان

عصر تیمور با وجود تمام نارسا ییها و کاستیها در مقایسه با دوران مغول، شرایط و اوضاع مناسبتر و آرامتری را از هر لحاظ برای مردم ایران به ارمغان آورد. هنر دوستی و توجه امرای تیموری به علم و صنعت و گردآوری خیل عظیمی از صنعتگران، شاعران، اهل پیشه و هنرمندان، زمینه و شرایطی را برای رشد بهتر و بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران فراهم نمود. (کابیلی، ۱۴۰۳) این گونه پیداست که حکمرانان تیموری کوشیدند که به تشکیلات چاپاری هم تا حدودی نظام بخشند. به نقل از سفیر پادشاه اسپانیا، از تبریز تا سمرقند به دستور امیر تیمور گورکانی چاپارخانه هایی به فواصل راه یکروزه و گاه نیمروزه ساخته شده بود. در بعضی از چاپارخانه ها پنجاه تا صد اسب موجود بود، حتی در معدودی از آنها دویست اسب نگهداری می شد. (کلاویخ، ۱۹۶۸، ص ۱۶۴) در این مسیر در مناطق خشک و خالی از سکنه چاپارخانه هایی وجود داشت که از آب قنات برخوردار بود و ایلچیان آبادیهای مجاور تدارکات مورد نیاز خود را فراهم می ساختند. مأمورانی برای تیمار داشت و نگهداری چهارپایان در چاپارخانه ها خدمت می کردند که یامچی نامیده می شدند. هر گاه سفیری از جانب تیمور فرستاده می شد یا نماینده ای از خارج به دربار تیمور وارد می شد؛ ناگزیر به یکی از این چاپارخانه ها مراجعه می کرد و مأموران چاپارخانه بی درنگ زین اسب او را بر می داشتند و اسبی تازه نفس در اختیار او قرار می دادند؛ سپس دو مأمور چاپار با سفیر همراه می شدند و وقتی که به چاپارخانه بعدی می رسیدند اسب را به چاپارخانه خود بر می گردانیدند و اتخاذ این روش تا مقصد ادامه داشت. اگر به واسطه حادثه ای سفرا اسب خود را از دست می دادند، مجاز بودند تا اسب مسافری را مصادره کنند و به خدمت خویش در آورند و کسی یارای مخالفت با آنان را نداشت. به گفته کلاویخ او و همراهانش حتی از پسران و زنان تیمور نیز اسب ستانده بودند. تیمور عقیده داشت که قاصدین و سفرا که حامل پیغامی از جانب او یا برای او هستند باید به سرعت و در شب و روز در حرکت باشند، بدین ترتیب اگر دو اسب در زیر پای آنان کشته می شد اهمیتی نداشت و آنان پنجاه فرسخ را اگر برابر با سه روز راهپیمایی بود در عرض یک روز می پیمودند. (همان، صص ۱۶۸-۱۶۵) آنگونه که از متون تاریخی پیداست نظام خبررسانی، فراتر

از مرزهای ایران حتی به صورت نظاممندتر و وسیعتر وجود داشته است. در عهد تیموریان حکمرانان روابط سیاسی و تجاری محکمی با پادشاهان چین داشتند؛ شاهرخ جانشین تیمور در سال (۸۲۲ق) سفرایی به چین فرستاد و شخصی موسوم به «خواجه غیاث الدین نقاش» را با آنان همراه کرد؛ او از طرف شاهرخ مأمور بود، مشاهدات خود را از زمان خروج از «دارالسلطنه هرات» تا روز بازگشت در قلم آورد. به نقل از غیاثالدین از «سکجو» شهر مرزی ختا تا «خان ابالیق» پایتخت ختاییان نود و نه یام استقرار داشتند که تمامی آبادان و مجهز بودند. هر یامی به مساحت شهری بزرگ بود و در هر کدام از آنها صد و پنجاه اسب و چهارپا و نزدیک شصت عرابه جهت استفاده ایلچیان موجود بود. پسرانی برای محافظت از اسبان که «پاقو» و چندی برای کشیدن عرابه‌ها که «چقو» خوانده می‌شدند. «همه خوش محاوره سیمین بدن مرواریدهای دروغین ختایی در گوش کشیده و مویها بر سر گردن زده» در یامها حضور داشتند. در میان هر دو یام ساختمانی مرتفع با نام «غرقو» بنا شده بود که هر روز به نوبت ده نفر ملازم در آنجا خدمت می‌کردند و وقتی حادثه یا خطری پیش می‌آمد، بر بالای غرقو آتش روشن می‌کردند؛ این در حالی بود که مأموران غرقوی دیگر آن را مشاهده و آنها نیز آتشی بر پا می‌کردند. این عملکرد ادامه می‌یافت تا خبر به پایتخت می‌رسید و خطاری که قاصدان باید برای رساندن آن سه ماه راه طی می‌کردند، در عرض یک شبانه روز به مقر فرمانروایی رسانده می‌شد. در میان یامها بناهای دیگری نیز با فواصل معین وجود داشتند با نام «کی دقو» که خلاف غرقو افرادی در آنجا ساکن بودند و همان جا به زراعت می‌پرداختند؛ اگر مکتوب یا خبری به آن‌ها می‌رسید به سرعت آن را به کی دقوی دیگر می‌فرستادند و با این روش خبر به سریعترین وجه ممکن به مقصد می‌رسید. (حبیب السیر، ج ۴، الاقلیم الرابع)

خبررسانان در عصر تیموریان

۱- ایلچی

ایلچی کلمه مغولی و به معنای سفیر و فرستاده ای است که از کشوری به کشور دیگر می‌رفت، یا برای امور مختلف مملکتی به ولایات سفر می‌کرد. «ایل به معنای پیام است و چی افاده معنی فاعلی میکند، یعنی پیامدار و پیغامگذار» (دهخدا: ذیل همان لغت) سفیران دولتی را از عصر ایلخانان تا پایان دوره قاجار ایلچی می‌نامیدند. در دوره ایلخانان به جز شخص خان صاحب منصبان، امراء، شاهزادگان و همسران ایلخانان، ایلچی مخصوص به خود داشتند و آنها را به ولایات می‌فرستادند. کثرت ایلچیان و رفت و آمد آنان در شهرها به مردم آسیب زیادی می‌زد؛ چرا که امکانات یامها برای احتیاجات آنها کافی نبود و ایلچیان مدام به اموال مردم دست درازی می‌کردند. اصلاحات غازان خان نیز در این امور دیری نپایید و وضعیت بر همین منوال ادامه یافت. در عصر تیموریان، تا حدودی این شرایط سامان یافت. اینگونه که از متون تاریخی پیداست ایلچیان تنها در خدمت شخص تیمور و حاکمان ولایات بودند و در مواقع لزوم فرزندان و همسران تیمور از نوکران خود برای رساندن خبر استفاده می‌کردند. امیر تیمور گورکانی در راه بازگشت از لشگرکشی که به کشمیر کرده بود، دچار عارضه ای شد و درحالی که از سرعت حرکت او کاسته شده بود، نگران حال امیرزادگان و همسرانش بود که نوکران ایشان رسیده و خبر سلامتی‌شان را رسانیدند: «شب هنگام از قبةالاسلام هرات نوکر مخدومزاده شاهرخ بهادر رسید و اخبار موافق به مسامع جلال رسانید و دو شب در آن موضع بسر بردند تا الم دست همایون تسکین یابد و بندگان خاص دولت آن محمل عالی را که عالمی در او درج بود بگردن گرفته می‌بردند که جایی بغایت تنگ بود و بر محقه سوار شدن تعدّری داشت، روز دوشنبه سیزدهم ماه دولت را از عقبه گذرانیدند و در این موضع نوکران بندگی مهد اعلی‌سرای

ملک خانیم و سایر آغایان و مخدومزادگان از دارالملک سمرقند رسیدند و خبرهای فرحبخش رسانیدند.» (ظفرنامه شامی، ذکر موافق بندگی امیر صاحبقران در نواحی جمو) اما پس از آن در عصر صفویه، تنها شخص شاه بود که می توانست ایلچی اختیار کند. (شکری، ۱۳۵۰، ص ۱۶۰) در زمان پادشاهی قاجار، جایگاه ایلچی فراتر رفت، به گونه ای که سخن او به منزله اختیار نامه پادشاه بود و با سخن دولت فرقی نداشت. (زرگری نژاد، ۱۳۹۱) با بررسی متون تاریخی در عصر حکومت تیموریان میتوان به برخی از ویژگیها و وظایف ایلچیان در این دوره آشنا شد که در ذیل بدان پرداخته شده است:

۱-۱- میانجیگری ایلچیان و برقراری صلح

تیمور گورکانی ایلچی به سمت غیاث الدین از سلاطین آل کرت فرستاد. «ایلچی به سمت ملک غیاث الدین در هرات فرستاد و تمهید قواعد مصادقت و تشیید مبانی مودت را استحکام بخشید مضمون رسالت آنکه میان ما دوستی قدیم است و ارادت آنکه دوستی زیادت شود و بیگانگی به یگانگی مبدل گردد.» (مطلع السعدین و مجمع البحرین، ج ۱، احوال خراسانات و ایلچی فرستادن حضرت صاحبقران به بلده هرات)

۱-۲- ایلچی و وظیفه نامه رسانی

نامه های پادشاهان و امرای بزرگ و همچنین نشانهای سلطنتی همراه با ایلچیان فرستاده می شد. مانند نامه هایی که سلطان حسین جلایر به دست ایلچی جهت استمالت و نوازش برای عادل آقا و دیگر امرایش می فرستد «علی حده مکتوبی نوشته و به خط خود به آب زر بالای آن چند سطر مرقوم فرموده، مضمون آنکه آفرین بر مردانگی و مردی و صدق نیت او باد» (همان، احوال عراق و آذربایجان)

۱-۳- مصونیت سیاسی ایلچی

ایلچی از اسیر گشتن و یا کشته شدن در امان بود ولی گاهی در کشمکشهای بین شاهان و یا امرای این مصونیت در نظر گرفته نمی شد، مانند به اسارت گرفته شدن ایلچی تیمور توسط یوسف صوفی: «حضرت صاحبقران، جلالتی را به ایلچیگری پیش یوسف صوفی فرستاد و پیغام داد که بعد از اتفاق خویشی و پیوند موجب مخالفت چیست؟ یوسف صوفی، ایلچی را بگرفت و محبوس گردانید و چون حضرت صاحبقران از آن کردار ناپسندیده آگاه شد.

دبیر هنرپیشه را پیش خواند بفرمود کز خامه گوهر فشاند

سر نامه کرد آفرین خدای کجا بود و باشد همیشه بجای

کسی را که او کرد فیروزبخت بماند بر او کشور و تاج و تخت

کرا خوار گیرد بماند نژند نتابد بر او آفتاب بلند

وزان پس چنان راند پاسخ دبیر چو از مشک تر زد رقم بر حریر

کز آیین شاهان و رسم مهان مگر این قدر داند آن نکته دان

که بر ایلچی کشتن و بند نیست جز این هر که گوید خردمند نیست

زگوشت نیاید به سوی دماغ ز قرآن مگر نصّ الابلاغ

فرستاده را کن روان بی درنگ مکن شکر عیش خود را شرنگ

میرو نهالی که خار آورد پشیمانی و رنج بار آورد

و مکتوب به مهر مبارک موشح گشته، قاصد مراحل نورد به یوسف صوفی رسانید، او بی مشورت عقل صواب اندیش آن فیج را نیز بند کرد و باز دست جسارت به تحریک سلسله فتنه بگشاد» (ظفرنامه یزدی، ج ۱، گفتار در ایلچی فرستادن حضرت صاحب قران گیتی ستان به خوارزم)

۴-۱- زیرکی و قدرت بیان ایلچیان

ایلچیان از میان افراد کاردان و سخندان انتخاب می‌شدند تا اهداف سیاسی را به خوبی پیش برند و خود و کشورشان را از آسیب دشمنان در امان دارند. مانند ایلچییانی که به جانب تیمور گورکانی فرستاده می‌شدند و از او درخواست امان می‌کردند. «یکی از ملوک افرنج، سبه نام که جزیره ساقز در حیطه حکم و فرمان او بود، چون تواتر استماع اخبار سپاه نصرت شعار او را از مستی غرور و پندار هشیار گردانید، مال بیشمار و تحف پیشکش بسیار مرتب داشته، مصحوب ایلچی زیرک سخنگزار به پایه سریر سپهر اقتدار فرستاد و به زبان استکانت و انکسار پیغام داد که: این کمینه از بندگان درگاه اسلام پناهم و رسانیدن جزیه و ساو بر گردن انقیاد گرفته، سایر اوامر و احکام خدام آن حضرت را کمر امثال و طاعتگزاری بر میان خدمتکاری بسته ام و چشم امید به اشتراق انوار مرحمت و الطاف پادشاهانه گشاده» (همان، ج ۲، گفتار در مراجعت فرمودن صاحبقران جهانگیر از از میر)

۵-۱- همراهی ایلچیان با تحف و هدایا

زمانی که ایلچیان به جانب حاکمی فرستاده می‌شدند، به ویژه اگر آن حاکم فردی قدرتمند بود، تحف و هدایای بسیاری به همراه می‌بردند. ایلچی شاه شجاع با هدایا و پیشکش به جانب تیمور فرستاده شد: «عمرشاه، از طرف والی شیراز شاه شجاع که به حشمت و مکنت از اقران خود ممتاز بود و به ارشاد استاد عقل با حضرت صاحبقران حلقه اخلاص بر در محبت می‌زد با تحف و هدایا رسیده به وسیله امرا به عرض رسانید و نامه مشتمل بر رعایت قواعد محبت و اخلاص و هواخواهی و اختصاص گذرانید.» (مطلع السعیدین و مجمع البحرین ج ۱، ذکر فتح ترشیز)

۶-۱- گرامیداشت و پذیرایی از ایلچیان

ایلچیان بعد از ورود به کشور مقصد، مورد تعزیز و احترام قرار می‌گرفتند و به بهترین نحو از ایشان پذیرایی می‌شد. کلاویخ در سفرنامه اش نقل کرده است: سلیمان میرزا داماد تیمور، قبل از اینکه او و همراهانش به محل اقامت تیمور بروند؛ با کمال ادب و احترام و با مقدار زیادی از گوشت اسب که به شیوه خاص خود پخته بودند و موادغذایی بسیار دیگر از ایشان پذیرایی کرده بود. (کلاویخ، ۱۸۵۹، ص ۱۷۷) ختایان بعد از ورود ایلچیان شاهرخ تیموری به کشورشان، از ایشان پذیرایی مفصلی به عمل آوردند: «به یک روز در مرغزاری نصارت آثار صفا عالی ساخته سایبانها برافراختند و شیرها و صندلیها نهاده از مأكولات گوشت قاز و مرغ و گوسفند و انواع میوه های خشک و تر بر طبق های چینی مرتب گردانیدند و بر زبر هر شیر خلی بسته بودند و به اصناف سبزی خوانها را آرایش داده و چون از طعام خوردن باز پرداختند انواع مسکرات حاضر ساختند.» (حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۴، الاقلیم الرابع)

۷-۱- بخشیدن خلعت و دیگر هدایا به ایلچیان

خلعت پوششی مجلل بود که سلطان به کارگزاران خویش و صاحب منصبان جهت تکریم و قدردانی می‌بخشید. پادشاهان ساسانی در عید نوروز جامه های زمستانی و در عید مهرگان جامه های تابستانی خود را به درباریان می‌بخشیدند. رسم بخشیدن خلعت یکی از رسوم افتخارآمیز بود که خلفای اسلامی از ایرانیان تقلید کردند. (کریستین سن، ۱۳۶۸، ص ۵۳۷) سابقه اعطای خلعت در تشکیلات حکومت اسلامی به اوایل خلافت عباسی می‌رسد. (زیدان، ۱۳۷۲، ص ۱۸۵) پادشاهان مانند دیگر کارگزاران به سفر نیز خلعت می‌بخشیدند؛ در موارد بسیاری این بخشش با پیشکشهای دیگر همراه بود. در عصر تیموریان نیز اغلب به ایلچیان همراه خلعت اسب و دیگر هدایا بخشیده می‌شد.

در سفرنامه کلاویخ نقل است که تیمور به سفرای اسپانیایی جامه های زربفت و اسب پیشکش کرد. (کلاویخ، ۱۸۵۹، ص ۱۷۷)

ایلچیان از جانب تقتمیش خان، نوه چنگیز برای گرفتن امان و طلب بخشش به نزد تیمور آمدند « آنگاه طوی پادشاهانه فرمود و ایلچی را بیش از پیش ترحیب کرد و خلعت و کمر پوشانید و بعد از دو سه روز امرا را جمع کرده قورلیتای کردند و مصلحت در آن دیدند که ایلچی را گرفته پیش روند.» (ظفرنامه شامی ، ذکر توجه امیر صاحبقران به دشت قیچاق) نکته قابل تأمل روایت، این است که تیمور ابتدا به طور کامل رسوم را بجای آورده و در تکریم ایلچیان فروگذار نکرده است.؛ سپس تصمیم به بند کشیدن ایلچیان را به اجراء آورده است.

۸-۱- ایلچی و رسم خواستگاری

در طول تاریخ حکمرانان جهت وصلت با دیگر امرا رسولان را به جانب ایشان می فرستادند. جامی در داستان یوسف و زلیخا رسوم گرامیداشت، خلعت، و خواستگاری را به زیبایی بیان می کند.

رسولان از شه هر مرز و هر بوم چو شاه ملک شام و کشور روم
فزون از ده تن از ره در رسیدند به درگاه جمالش آرمیدند
یکی منشور ملک و مال در مشت یکی مهر سلیمانی در انگشت
که هریک تحفه کشور ستانیست ز شاهی خواستگاری را نشانیست
پدر چون دید شوق و بی قراریش ز سودای عزیز مصر زاریش
رسولان را به خلعتهای شاهی اجازت داد لب پر عذر خواهی

(هفت اورنگ جامی، یوسف و زلیخا، آمدن رسولان چندین کشور به خواستگاری زلیخا)

تیمور ایلچیان را به جانب شیراز می فرستد و دخترش شجاع مظفری را برای فرزندش پیر محمد خواستگاری می کند و تا حصول توافق مدتی ایلچیان به آمد و شد می پردازند. در نهایت ایلچیان شاهزاده را به بلخ، محل اقامت تیمور می آورند. «به جانب شاه شجاع کس فرستاده بود و خواستاری دختر کرده و از هر طرف ایلچی در آمد و شد بود و اولجایتوی دراز را به رسالت روانه کرد و حاجی خواجه را با وی فرستاد تا از شیراز به جهت امیرزاده پیر محمد دختر بیاورند» (ظفرنامه شامی، ذکر توجه امیر صاحب قران به جانب امیر ولی کرت دوم)

۹-۱- واسطه ها میان ایلچیان و امرا

اگر ایلچی از طرف فرمانروایی کم قدرت به سوی پادشاهی محتشم فرستاده می شد، پیغام یا مکتوب با واسطه امرا و شاهزادگان به عرض سلطان می رسید. مانند ایلچی که تقتمیش خان به جهت عذرخواهی و طلب بخشش به جانب تیمور فرستاد. «بعد از چند روز ایلچی تقتمیش خان را به حضرت آوردند وظایف، آداب و زمین بوس رعایت نموده اسبان و شونقار پیشکش کرده به وسیلت نویینان سخنان پادشاه را به عرض رسانید» (همان، ذکر توجه امیر صاحب قران به دشت قیچاق)

۲- قاصد

قاصد منزل سلمی که سلامت بادش چه شود گر به سلامی دل ما شاد کند
حافظ (غزل شماره ۱۹۰)

قاصد به معنای قصد و آهنگ کننده، نامه بر و پیک است. نقش رساندن مکتوب و پیغام رسانی توسط قاصدان همواره در طول تاریخ مطرح شده است و قدمتی بس دیرینه دارد. جمشید پادشاه پیشدادی چهار انگشتر ساخت و بر نگین هریک کلمه ای مربوط به امور مهم کشوری حک کرد؛ « و در انگشتری سیم که تعلق به منهیان و جواسیس و فیوج بود نقش نمود که راستی و شتاب، یعنی در ایصال اخبار شرایط راستی و شتاب به جای باید آورد . » (حبیب السیر فی اخبار افراد بشر ج ۱، ذکر شمه ای از احوال و اوصاف جم و بیان استیلای ضحاک بر

ممالک عجم) بیگمان نقش قاصد بسیار محدودتر از ایلچی بود و تنها برای اعلان خبر به کار گرفته می شد؛ گاه لازم بود که قاصد به سرعت مکتوب یا حکمی از امرا و پادشاهان را به مقصد برساند. بنابراین قاصد قدرت بدنی زیاد و اسبی راهوار داشت تا مسیرهای طولانی را به سرعت پشت سر بگذارد. حاکم کرمان برای دفع خطر تیمور قاصدی چست و چالاک به سمت شاه شجاع می فرستد:

«امیر صائب تدبیر اختیارالدین حسن قورچی که حاکم کرمان بود، قاصدی هم عنان باد به حضرت پادشاه فرستاد و عرضه داشت که حضرت صاحبقران به اندک زمان مملکت سیستان را مسخر ساخت. هر چند در مقام محبت است، اما امکان دارد که قصد کرمان کند. دفع آن به رای زرین و فکر دوربین پادشاه مفوض است.» (مطلع السعدین فی مجمع البحرین، ج ۱، احوال عراق و آذربایجان)

در متون تاریخی عصر تیموری، قاصدان تیز رو را «مسرع» می خواندند. والی مصر، ملک ظاهر برای بستن پیمان دوستی با شاهرخ گورکانی به سمت «دارالسلطنه هرات» ایلچی فرستاد. ایلچی مدتی در هرات اقامت کرد و مورد لطف و گرمیداشت شاهرخ قرار گرفت و «چون به موجب فرمان ملک ظاهر داعیه داشت که بر اصفهان و شیراز و یزد و کاشان عبور نماید حضرت خاقان سعید مسرعان به آن بلاد فرستاده پیغام داد که در وقت در آمدن ایلچی شهر را آذین بندند» (حبیب السیر فی تاریخ افراد بشر، ج ۴، ذکر آمدن ایلچی جیجکتوقا نام از نزد والی مصر و شام)

۳- افراد معتمد

گاه برای رساندن مکتوب و پیغام پادشاه به اطراف یا ممالک دیگر، فرستاده قاصد یا ایلچی نبود و تنها با عنوان فردی معتمد و کاردان برای رسالت انتخاب می شد تا با کیاست و سیاست خود به گره گشایی در روابط بین ممالک بپردازد. مانند فردی معتمد که امیرحسین، برادر همسر تیمور گورکانی به نزد تیمور فرستاد تا از او درخواست کمک کند: «امیر تغلق سلدوز رایت مخالفت امیرحسین برافراشت و سپر بی آزمی در روی کشید. امیرحسین معتمدی نزد امیرصاحبقران فرستاده صورت حادثه را در میان نهاد و امیر خضر و امیر بایزید را نیز از آن واقعه اعلام داد.» (روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، ج ۹، مدد خواستن امیر حسین از امیر تیمور)

۴- منهی

در طول تاریخ در جوامع بشری امر جاسوسی رواج داشته است. شغل و وظیفه منهی این بود که به طور مخفی از وضعیت دشمن اخباری به دست آورد و به مخدوم خود برساند. شاهان و فرمانروایان به واسطه منهی از احوال سرزمینها و حکومتهاشان مطلع می شدند. سابقه استفاده از منهی در ایران به پیش از اسلام می رسد: «اردشیر ساسانی در مملکت خویش منهیان تعیین نموده بود که هر قضیه ای را که حادث گشتی به سمع او رسانیدند.» (حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۱، ذکر اردشیر بابکان)

استفاده از منهی در دوران اسلامی نیز رواج داشت. منصور خلیفه عباسی عقیده داشت که بیش از هرکس به چهار مأمور نیازمند است: «اول قاضی بی پروا و بی باکی که جز خدا و عدالت چیزی در نظر نیاورد، دوم رئیس پلیسی که داد ستمدیده از ستمگر بستاند، سوم تحصیلداری که مالیات عادلانه بگیرد و به مردم آزار نرساند. سپس منصور سه مرتبه سبابه خود را گزیده گفت: آه آه و همین که سبب را پرسیدند گفت: چهارم کارگاه و بازرسی که اخبار و عملیات این سه نفر را به درستی گزارش دهد.» (زیدان، ۱۹۰۶، ص ۸۶)

در عهد تیموریان نیز همواره تیمور و حاکمان محلی ایرانی برای خبرگیری از جزئیات احوال دیگر فرمانروایان از منهبیان بهره می جستند. تیمور برای آگاهی از احوال ایلدیرم بایزید پادشاه روم منهبی به روم فرستاده بود: «آن محل از اخبار منهبیان به مسامع علیّه پیوست که ایلدیرم بایزید پسر خود را - کرشچی - با تمورتاش که در آن عهد از عظمای امرای روم به مزید شجاعت و جلالت سمت امتیاز داشت و دیگر امرا و لشگریان به رسم منقلای به سیواس فرستاده بود و از استماع توجه رایات نصرت آیات، ارکان ثباتشان تزلزل پذیرفته، به طرف روم روانه شده اند.» (ظفرنامه یزدی، ج ۲، گفتار در توجه حضرت صاحبقران گیتی ستان به صوب سیواس و تسخیر آن)

۵- کبوتر نامه رسان

به دلیل دوری مقصد و لزوم رسیدن سریع نامه و یا ناامنی راهها که قاصدان را دچار راهزنان می کرد، از کبوتر نامه بر استفاده می شد. سابقه استفاده از کبوتر نامه رسان در ایران به پیش از اسلام می رسد. (زیدان، ۱۹۰۶، ص ۱۱۵۷) به کارگیری کبوتر در دوران اسلامی نیز رایج بود. حکایت شده در زمان سامانیان اسکافی دبیر پس از شکست ماکان کاکای گزارش شکست او را این گونه نوشت. «اما ماکان فصار کاسمه و السلام» به این معنی که ماکان مانند اسم خود نیست شد و آن را بر بال کبوتری بست تا به امیر نوح بن منصور سامانی رسید و موجز نوشتن او به این دلیل بود که کبوتر قادر به حمل کاغذی حاوی مطالب طولانی نیست. (چهار مقاله، مقالت اول، حکایت ۲) در تاریخ حبیب السیر ذکر شده که اباقاخان پادشاه مغول عده ای از جنگجویان خود را به دیار شام فرستاد و آن جماعت قلعه بیره را در شام محاصره کردند.

ساکنان قلعه حال خود را در نامه ای نوشته بر بال کبوتر بستند و کبوتر را به جانب مصر پرانیدند و از پادشاه مصر کمک خواستند؛ در نصف روز پرنده مکتوب را به قاهره رسانید و او پس از چهار شبانه روز به قلعه رسیده و مغولان را شکست داد. «ساکنان بیره حال تیره خود قلمی نموده آن نامه را بر بال کبوتری بستند و به وقت پرواز شاهباز زرین بال خورشید از افق شرقی آن کبوتر را به جانب مصر پرانیدند و در نصف النهار همان روز آن برید پرنده، مکتوب را به قاهره رسانید» (حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳، گفتار در بیان بعضی از وقایع سلطنت بند قدار)

استفاده از کبوتر نامه رسان در زمان تیموریان نیز بسیار رواج داشت. وقتی جاسوسان سلطان احمد جلایر او را به وسیله کبوتر نامه رسان از لشگرکشی تیمور به طرف بغداد خبردار ساختند، تیمور جاسوسان را وادار به نوشتن نامه ای دیگر کرد تا مکتوبات قبلی خود را انکار کنند و آن نامه را بر بال مرغی دیگر بستند و به طرف بغداد فرستادند. «منهبیان بفرموده سلطان احمد جلایر کبوتر به طرف بغداد پرانید ه اند و کیفیت آمدن آن حضرت را مکتوب گردانیده بنابر آن فرمود که همان کس که آن نامه نوشته بود رقعہ دیگر در قلم آورد، مضمون آنکه سیاهی که سپاه امیر تیمور تصور کرده بودیم بعد از تحقیق به وضوح پیوست که احشام و صحرا نشینانند که از لشگر جغتای بدین حدود پناه آورده اند.

ببستند بر بال مرغی دگر که بغدادیان را شود نامه بر
(همان، ذکر توجه امیر گورکان به جانب بغداد)

برای نگهداری از کبوترهای نامه بر، ساختمانهایی به صورت برجهای استوانه ای می ساختند که کبوتر خان یا برج کبوتر نامیده می شد. تیمور در مقر حکومتش، سمرقند و اطراف آن کبوترخانه های بسیاری بنا کرده بود. او برای ممانعت از رسیدن اخباری که به وسیله کبوتران به دشمنانش رسانده می شد از شاهینها استفاده می کرد. (براون، ۱۳۷۲، ص ۱۰۰)

نتیجه‌گیری

نظام دیوانسالاری برای مدیریت و اداره امور کشورها به وجود آمد و دیوانهایی مانند دیوان رسالت، دیوان قضا، دیوان استیفاء و دیوان برید سامان گرفتند. در این میان دیوان برید براساس ضرورت کسب خبر و ارتباط با پادشاهان دیگر کشورها و حکام داخلی از دوره باستان تأسیس شد و تا دوره اسلامی برقرار بود. در عصر ایلخانان دیوان برید جای خود را به نظام چاپاری داد، این نهاد را یام خانه یا چاپارخانه و مأموران آن را ایلچی می‌نامیدند. چاپارخانه در حقیقت ایستگاهی بود که در آن اسبان خسته را با اسبان تازه نفس عوض می‌کردند. ایلخانان نتوانستند این نهاد را به خوبی اداره کنند. تعداد زیاد ایلچیان که به امرا و همسران و فرزندان شاه اختصاص داشتند، باعث ناامنی و آشوب در شهرها می‌شدند، اما تیمور توانست تا حدودی این نظام را سامان بخشد؛ او ایلچیان را در انحصار خود و امیران محلی قرار داد و شاهزادگان برای امر خبر رسانی نوکران خود را به خدمت می‌گرفتند. ایلچیان از میان افراد زیرک و سخندان انتخاب می‌شدند و برای برقراری صلح تلاش می‌کردند. آنها مصونیت سیاسی داشتند و هیچ حکمرانی حق تعرض به آنها را نداشت. این روند تا عصر صفویه و قاجار نیز ادامه یافت تا جایی که در عصر قاجار ایلچیان دارای مقام و منصب بالایی شدند و سخن آنان به منزله اختیار نامه پادشاه بود. قاصدان مسرع، جاسوسان و کبوتران نامه رسان نیز در عصر تیموریان در امر خبر رسانی نقش داشتند، با این تفاوت که وظیفه آنان به خبر رسانی منحصر می‌شد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، راضیه ایمانی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی کرج استخراج شده است. خانم دکتر فاطمه حیدری راهنمایی این رساله را به عهده داشتند و دکتر مهدی محقق و دکتر احمد ذاکری با عنوان استاد مشاور در این پژوهش شرکت داشته‌اند.

تشکر و قدردانی

از سردبیر محترم و هیئت تحریریه گرامی نشریه بهار ادب و راهنمایی ایشان در ارتقاء کیفیت و تکمیل مقاله سپاسگزاریم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت های پژوهشی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع بر عهده نویسنده مسئول است.

REFERENCES

Articles

- Navabi, J. and Amiri, A. (2016). Security Function of the Barid Divan in Central Governments of Iran (from the 3rd to 9th Centuries AH). *Disciplinary History Studies*, 3(10), pp. 55-84.
- Zargari Nejad, G. and Sabah, K. (2012). Diplomatic Fire in Iran from the Beginning of Qajar to the End of the Naseri Period. *Foreign Relations History Quarterly*, 13(51), pp. 79-89.
- Kaboli, A., Mohammad Rad, M. and Aghayari Zahed, R. (2023). Economic and Cultural Sociology Based on Mentioning Jobs and Professions in Timurid Era Poetry (Case Study: Poems of Amir Alishir Nava'i, Ahli Shirazi, Jami, Shah Qasem Anvar, Shah

Nematollah Vali, Helali Jaghatai). *Scientific Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar-e Adab)*, 17(2), pp. 117-141.

Karimi, A. and Fathi Salamat, E. (2011). *Sadat in the Timurid Era. Shiology Quarterly*, 9(36), pp. 119-150.

Books

Anvari, H. (1976). *Administrative Terminology of the Ghaznavid and Seljuk Periods*. Tehran: Tahoori Library, p. 187.

Brown, B. (1993). *Astronomer of Tabriz: Jahangosha*. Trans. by Zabihollah Mansouri. 4th ed. Tehran: Mostowfi Library, p. 100.

Jami, A. (2006). *Masnavi Haft Awrang*. Ed. by Morteza Modarres Gilani. Tehran: Ahura Publications, p. 617.

Hafez, S. M. (1968). *Divan of Ghazals*. Ed. by Mohammad Qazvini and Qasem Ghani. Tehran: Yasmin Publications, p. 200.

Khvandamir, G. (2001). *Habib al-Siyar*. Introduction by Jalal-al-Din Homaie. 4th ed. Tehran: Khayyam Publications, Vol. 1 p. 197, Vol. 3 p. 455, Vol. 4 pp. 628, 635.

Dehkhoda, A. A. (1998). *Loghat Nameh*. Tehran: University of Tehran Publications.

Zaydan, G. (1993). *History of Islamic Civilization*. Trans. by Ali Javaheri. 7th ed. Tehran: Amirkabir Publications, pp. 86, 185, 1157.

Samarqandi, K. A. (1942). *Matla-us-Sa'dayn wa Majma-ul-Bahrayn*. Vol. 1, Book 2. Ed. by Abdolhossein Navabi. 2nd ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, pp. 544, 546, 551.

Shami, N. (1983). *Zafarnamah*. Ed. by Panahi Semnani. Tehran: Bamdad Publications, pp. 94-95, 118, 158, 409.

Sharik Amin, S. (1978). *Dictionary of Mongol Terms*. Tehran: Iranian Academy of Literature and Art, p. 258.

Shokri, Y. (1971). *Alam Aray-e Safavi*. Tehran: Iranian Culture Foundation Publications, p. 160.

Manz, B. F. (1994). *The Rise and Rule of Tamerlane*. Trans. by Mansour Sefatgol. 2nd ed. Tehran: Rasa Cultural Services, p. 152.

Christensen, A. (1963). *Iran during the Sassanids*. Trans. by Gholamreza Rashid Yasemi. Tehran: Donyaye Ketab, pp. 162, 527. [Note: Corrected "Sib" to "Christensen" based on context].

Clavijo, G. (1859). *Embassy to Tamerlane*. Trans. by Masoud Rajabnia. Tehran: Book Translation and Publishing Company, pp. 164-165, 177.

Lockhart, L. and Jackson, P. (2021). *The Cambridge History of Iran*, Vol. 6. Trans. by Teymour Ghaderi. 5th ed. Tehran: Mahtab Publications, p. 69.

Mirkhvand, M. (2001). *Rawzat al-Safa*. Vol. 6, Part 1. Ed. by Jamshid Kian. Tehran: Asatir Publications, p. 3528.

Nezami Aruzi, A. (1948). *Chahar Maqala*. Ed. by Mohammad Qazvini and Mohammad Moein. Leiden: Brill Printing House, p. 49.

Yazdi, S. A. (2008). *Zafarnamah*. Vols. 1 and 2. Researched by Seyed Saeed Mir-Mohammad Sadegh. Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran Parliament Publications, Vol. 1 p. 375, Vol. 2 p. 1025.

فهرست منابع: فارسی

کتاب

انوری، حسن. (دیمه‌های ۲۵۳۵ شاهنشاهی)، اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی. تهران: کتابخانه طهوری، صص ۱۸۷. براون، مارسل. (۱۳۷۲) منم تیمور جهانگشا. ترجمه ذبیح الله منصوری. ویرایش چهارم. تهران: کتابخانه مستوفی، ص ۱۰۰.

جامی، عبدالرحمن. (۱۳۸۵). مثنوی هفت اورنگ. تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: انتشارات اهورا، ص ۱۷۶. حافظ، شمس الدین محمد بن بهالدین. (۱۳۷۴)، دیوان غزلیات. تصحیح محمد قزوینی وقاسم غنی: انتشارات یاسمین. ص ۲۰۰.

خواندمیر، غیاث الدین. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر فی اخبار بشر، با مقدمه جلال الدین همایی. ویرایش چهارم. تهران: انتشارات خیام. ج اول ص ۱۷۹. ج سوم ص ۲۵۵. ج چهارم ص ۶۳۵.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران. ؟؟؟؟؟ زیدان، جورجی. (۱۳۷۲). تاریخ تمدن اسلامی. ترجمه علی جواهری. ویرایش هفتم. تهران: انتشارات امیر کبیر. ص ۸۶. ص ۱۸۵. ص ۱۱۵۷.

سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق. (۱۳۷۲). مطلع السعیدین و مجمع البحرین. جلد اول. دفتر دوم. به اهتمام عبدالحسین نوایی. ویرایش دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ص ۴۶۴. ص ۵۳۹. ص ۵۵۱. شامی، نظام الدین. (۱۳۶۳). ظفرنامه. تصحیح پناهی سمنانی. تهران: انتشارات بامداد. صص ۹۵-۹۴. ص ۱۱۸. ص ۱۵۸. ص ۲۰۹.

شریک امین، شمیم. (۱۳۵۷) فرهنگ اصطلاحات مغول. تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران. ص ۲۵۸. شکری، یدالله (؟ نویسنده نامعلوم ۱۳۵۰) عالم آرای صفوی: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. ص ۱۶۰. منز. بئاتریس فوربز (۱۳۹۳). برآمدن و فرمانروای تیمور. ترجمه منصور صفت گل. ویرایش دوم. تهران: موسسات خدمات فرهنگی رسا. ص ۱۵۲.

کریستین سن، آرتور، (۱۹۴۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلام رضا رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب. ص ۱۹۲. ص ۵۳۷.

کلاویخو. گونسالس. سفرنامه کلاویخو. (۱۸۵۹) ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. صص ۱۶۵-۱۶۴. ص ۱۷۷.

لاکهارت. لارنس و جکسون. پیترو. (۱۴۰۰) تاریخ ایران کمبریج، جلد ششم، ترجمه تیمور قادری. ویرایش پنجم. تهران: انتشارات مهتاب. ص ۶۹.

میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود، (۱۳۸۰)، روضه الصفا فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفا، جلد ششم بخش اول، تصحیح جمشید کیان، تهران: انتشارات اساطیر. ص ۴۵۳۸.

نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی، (۱۳۲۷)، چهار مقاله، به سعی محمد قزوینی و محمد معین، انتشار چاپخانه بریل لیدن. ص ۲۹.

یزدی، شرف الدین علی، (۱۳۸۷)، ظفرنامه، جلد اول و دوم، محقق: سید سعید میرمحمد صادق، تهران: انتشارات مرکز اسناد مجلس. ج اول. ص ۴۷۵. ج دوم. ۱۰۳۴.

مقاله

ثواقب، جهانبخش. امیری، علی، (۱۳۹۵) کارکرد امنیتی دیوان برید در حکومت های مرکزی ایران (از سده ۳ تا ۹ ق).. مطالعات تاریخ نظامی، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۵۵-۸۴.

زرگری نژاد، غلامحسین. صباح، خسروی (۱۳۹۱)، آداب دیپلماتیک در ایران از آغاز قاجار تا پایان دوره ی ناصری. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، صص ۷۹-۸۹.

کابیلی، علی. محمد زاده، مریم. آقایاری زاهد، رضا، (۱۴۰۳)، جامعه شناسی اقتصادی و فرهنگی بر اساس یاد کرد مشاغل و حرف در شعر عصر تیموری (مورد کاری: اشعار امیر علیشیر نوایی، اهلی شیرازی، جامی، شاه قاسم انوار، شاه نعمت الله ولی، هلالی جغتایی). نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)، سال هفدهم، شماره ۲. صص ۱۴۱-۱۱۷.

کریمی، علیرضا. فتحی سلامت، ابراهیم، (۱۳۹۰)، سادات در عصر تیمور. فصل نامه شیعه شناسی، دوره نهم، شماره ۳۶، صص ۱۱۹-۱۵۰.

معرفی نویسندگان

راضیه ایمانی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: r.imani6484@iaau.ir)
(ORCID: 0009-0008-5787-6069)

فاطمه حیدری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: fateme.heydari@kiaou.ac.ir (نویسنده مسئول))
(ORCID: 0000-0002-7522-2797)

احمد ذاکری: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: ahmad.zakeri94@iaau.ir)
(ORCID: 0000-0003-2478-6135)

مهدی محقق: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

(Email: mahdi.mohaghegh1399@iaau.ir)
(ORCID: 0000-0003-1450-4798)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Raziyeh Imani: Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Arsanjan, Iran.

(Email: r.imani6484@iaau.ir)
(ORCID: 0009-0008-5787-6069)

Fatemeh Heydari: Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Arsanjan, Iran.

(Email: fateme.heydari@kiaou.ac.ir: Responsible author)
(ORCID: 0000-0002-7522-2797)

Ahmad Zakeri: Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Arsanjan, Iran.

(Email: ahmad.zakeri94@iaau.ir)
(ORCID: 0000-0003-2478-6135)

Mehdi Mohaghegh: Department of Persian Language and Literature, Ka.C., Islamic Azad University, Arsanjan, Iran.

(Email: mahdi.mohaghegh1399@iaau.ir)
(ORCID: 0000-0003-1450-4798)